

# حاتمی‌کیا به دنبال کشف زبان جدیدی است



محمدحسین سلطانی خبرنگار

اگر بخواهیم ۱۰ خبر مهم جشنواره امسال را بیان کنیم، حضور سریال «موسی» در قالب یک فیلم سینمایی اگر نگوییم در صدر لیست اخبار قرار می‌گیرد؛ بی‌شک از ۱۰ خبر مهم فجر چهل‌وسوم است. فیلمی که ابراهیم حاتمی‌کیا در آن دست به ریسکی بزرگ زده و یک اثر تماماً استودیویی را خلق کرده و با یک تکنولوژی وارداتی پا به عرصه تصویر گذاشته است. برای بازکردن قفل تکنیک به کار رفته در «موسی»، با چند نفر امکان گفت‌وگو وجود داشت که شاید در صدر این لیست، تورج منصوری بود. منصوری که پیش از این در «دعوت» هم با حاتمی‌کیا همکاری کرده و مدیریت تیم فیلمبرداری آن اثر را برعهده گرفته بود، تجربه‌ای سرتاپا متفاوت نسبت به همکاری اولش با حاتمی‌کیا رقم زده و از نگاه او نمره آن یک اثر بین‌المللی را ساخته است. منصوری در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از این تجربه متفاوت می‌گوید.

«رواقع بعد از دو بار مشاهده، یک بار با صدای کامل و یک بار

با صدای ناقص، اصلاحاتی داشتیم. تمرکز ما بیشتر بر این بود که بگردیم و ببینیم کجای کار احتمالاً ایرادی از دست ما در رفته است.» این جملات ابتدایی منصوری در مصاحبه با ماست. رسیدن «موسی» به جشنواره خود فرایندی پیچیده داشت و حتی تا روزهای منتهی به جشنواره، آمدن و نیامدن «موسی» محل بحث بود. منصوری دلیل این فرایند طولانی را کار بسیار پیچیده و فنی و علاوه بر آن، جزئیات هنری بسیار زیاد به کار رفته در اثر و همین‌طور بازی‌های مفصل انجام شده روی اثر می‌داند: «هر یک از افراد سعی کرده بودند، نهایت تلاششان را به کار ببندازند. یعنی ما فیلم را مانند تماشاجی ساده و بی‌غرض نگاه نمی‌کردیم، بلکه با این تمایز که اگر ایرادی وجود دارد، آن را پیدا کنیم، به فیلم نگاه می‌کردیم. حقیقتاً می‌خواهم بگویم که فیلم را دو بار دیدم، یک بار با صدای ناقص و یک بار با صدای کامل تر. البته بعداً باز هم روی صدا کار شده و روی تصویر نیز مقداری کار انجام شده است. اما به نظر من، دیدن این فیلم باید در سالن سینما و با نفس تماشای فرایند فیلمبرداری انجام شود. فکر می‌کنم این اثر کاملاً متفاوت بوده است، زیرا استفاده از CGI و دیگر تکنولوژی‌ها، فرایند را کاملاً متفاوت کرده است.»

## وقتی تکنولوژی وارد می‌شود

با آنکه استفاده از CGI باعث شده فیلم و سریال‌های حاتمی‌کیا دغدغه مالی و ساخت لوکیشن به آن معنای سریال‌های معمول تاریخی را نداشته باشند، اما استفاده از این تکنولوژی تیم منصوری و حاتمی‌کیا را دچار چالش‌هایی کرده است: «کار بسیار دشواری بود و با آنکه CGI نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، استفاده از آن بسیار پیچیده و پیر از اتفاقات غیر منظره است. این کار به صورت صددرصدی در استودیو انجام شده و تکنیک و پدنتوال به عنوان عامل کمک‌کننده است.»

تکنیکی که منصوری و تیمش از آن استفاده کردند، چند سالی می‌شود که به ایران راه پیدا کرده و در کنار «موسی» حتی در سایر فیلم‌های الف‌صدا و سیما نیز از آن استفاده شده است. با این حال، حجم استفاده از تکنولوژی‌های جدید کار «موسی» را با چالش‌های فراوانی همراه کرده است: «در برخی جاها، برای افزودن چیزهایی که امکان حضور آن‌ها در صحنه وجود نداشت، از ویدئووال استفاده می‌کردیم. امکاناتی که ما با آن‌ها کار کردیم، برای اولین بار در ایران چیدمان شده بود. ممکن است اجزای آن در

## «موسی» حاتمی‌کیا رنگ و بوی قصه‌های ایرانی دارد

وجه دیگرش به روایتی تماماً مدرن وصل است: «این کار دارای یک روح خاص در نوع قصه‌گویی است. این کار کاملاً یک تصور ذهنی، تصویری و ادبی از نگاه یک ایرانی است. نگاهی که ریشه در فرهنگ ما دارد، قصه‌هایی که از پدر بزرگ و مادر بزرگ‌ها شنیده شده است. منظوم این نیست که این قصه‌ها کهنه هستند، بلکه به غایت مدرن و امروزی‌اند. این کار به جدیدترین تکنولوژی‌های روز که در سینمای جهان استفاده می‌شود، متکی است و از این مسیر، قصه را بازآفرینی می‌کند. در نتیجه، کاملاً مدرن است اما همین قصه‌گویی مدرن، ابزار را در دست ما قرار داده است که مانند رام کردن یک اسب وحشی، از آن استفاده کرده‌ایم تا به سفر در مرزهای ذهنی و عاطفی و بخش‌های ناشناخته روح ایرانی برویم. این قصه‌ها می‌توانند مانند قصه‌های هزار و یک شب، افسانه‌گونه، زیبا و دست‌نیافتنی در دنیای واقعی باشند. گل و خاک این دنیا، گونه‌ای متفاوت از گل و خاک طبیعی زیر پای انسان یا در روستاهای واقعی است. در نتیجه، می‌خواهم بگویم این تجربه‌ای بسیار شگفت‌انگیز و زیبا برای من بود و یکی از بهترین تجربه‌های کاری‌ام در طول عمرم محسوب می‌شود.»

منصوری «موسی» حاتمی‌کیا را یک اثر تمام ایرانی می‌داند و با آنکه این فیلم در ذیل آثار مذهبی محسوب می‌شود، اما او اثر قصه‌های ایرانی را در این فیلم کاملاً محسوس می‌داند: «باید تصور کنید که یک نصف سیب دارید و نصف دیگر را نیز باید بسازید و به آن بچسبانید، به طوری که معلوم نشود این دو نصف سیب جدا از هم هستند. چنین کاری اصلاً ساده نیست. واقعاً هیچ درزی نباید دیده شود، هیچ اختلاف رنگی، جنس، بافت، فضا و حتی اتمسفر نباید وجود داشته باشد. این کار یک ساختار دارد که به نظر من نوعی قصه‌گویی کاملاً ایرانی است. منظوم از لحاظ زبان قصه‌گویی است. درست است که این کار برگرفته از قصص مذهبی قرآن است و کاملاً وابستگی مذهبی دارد، اما این روایت به شکلی طرح و تصویر شده است که قوه تخیل، ساختمان ذهنی و زبان سینمایی کاملاً ایرانی در آن وجود دارد. تصویرسازی‌ها کاملاً ایرانی هستند. اگر بخواهید مصداق‌تر بگویید، منظوم دقیقاً این است که ایرانی بودن آن از الگوهای بومی گرفته شده است.» منصوری در توضیح آنچه از «موسی» روی پرده قرار گرفته، روایت حاتمی‌کیا از «موسی» را یک روایت دو وجهی می‌داند، روایتی که یک وجه آن به ایران گره می‌خورد و

## «موسی» با تمام آثار حاتمی‌کیا فرق می‌کند

منصوری که پیش از این هم در اثری تماماً متفاوت با حاتمی‌کیا همکاری کرده بود، از تفاوت «دعوت» با «موسی» می‌گوید: فیلمی که در سال ۸۷ منتشر شد و داستان روزی چون سقط جنین را در میان برنامه‌های خورد قرار داده بود. اگر بخواهیم تنها از حیث محتوا به این دو اثر نگاه کنیم، «دعوت» با «موسی» زمین تا آسمان تفاوت دارد، تفاوتی که حتی در تکنیک هم کاملاً مشهود است: «ارتباط کاری با کارگردانم، آقای حاتمی‌کیا، به طور طبیعی بسیار تنگاتنگ بود. این اولین بار نبود که با ایشان همکاری می‌کردیم. پیش از این، فیلم

## حاتمی‌کیا به دنبال کشف زبان جدید است

منصوری در ادامه صحبت‌هایش به نکته‌ای اشاره می‌کند که ابراهیم حاتمی‌کیا را بیش از پیش به ما می‌شناساند. وقتی اخبار گفتند که حاتمی‌کیا پروژه نیمه‌کاره «موسی» را قرار است ادامه بدهد، واکنش‌های متفاوتی از سمت رسانه‌ها دریافت کرد که مهم‌ترین آن بی‌تجربه بودن حاتمی‌کیا در ساخت آثار تاریخی بود: «در برخی مواقع، ارتباط یک تیم فیلم‌سازی ممکن است براساس رقابت‌هایی شکل بگیرد که نتیجه‌بخش نیست. اما در اینجا، حتی ذره‌ای از آن رقابت‌ها وجود نداشت. یک همگونی و هارمونی کاری کامل برقرار بود. ما کسی مانند ابراهیم حاتمی‌کیا داشتیم که کار خود را به خوبی می‌دانست و حالا باید زبان جدیدی را کشف می‌کرد. او در طول دو یا سه تست آزمایشی که برای کوک کردن سیستم‌های تکنیکی و فنی و آموزش افراد انجام دادیم، با تیزهوشی کامل توانست زبان این پدیده را یاد بگیرد. نوشتن با این قلم، نوشتن عادی نیست. شما باید نوع دیگری از دکو‌پاز را در نظر بگیرید. پلان‌هایی را می‌گیرید که ممکن است پلان مقابل آن را یک ماه بعد بگیرید. منظور این نیست که بخش‌هایی از داستان را می‌گیرید و بخش‌های بعدی را باید یک ماه بعد بگیرید، بلکه در یک بخش واحد از داستان، مثلاً در یک اتاق یا فضای بسته یا حتی فضای باز، ممکن است گفت‌وگوی دو نفر را امروز بگیرید و گفتار نفر بعدی را به دلایل تکنیکی دو هفته یا سه هفته بعد بگیرید.»

شاید از مهم‌ترین مشکلات ساخت سریالی مثل «موسی»، بازی گرفتن از بازیگران آن است، چون با ورود تکنولوژی و گرفتن فیلم در فضایی مانند استودیو، عملاً حس گرفتن از مخاطب بسیار سخت و دشوار می‌شود. منصوری از تجربه ساخت اثر در چنین فضایی می‌گوید: «حفظ این احساس و نگاه‌داری آن، کار بسیار پیچیده‌ای است. دنیای مقابل دوربین شما در حال چرخش و حرکت است و شاید یک ورکشاپ بسیار جدی برای توضیح و تعبیر آن لازم باشد. اما چیزی که می‌توانم در حد امروز خدمت شما بگویم، این است که این کار یک معاشقه کامل با یک سیستم کاری بود. اگر این کار

سینمایی‌ای به نام دعوت را با هم کار کرده بودیم که سابقه‌ای بسیار خوب از این همکاری داشتیم. احترام متقابل و باور متقابل نسبت به کاری که انجام می‌دادیم، در این همکاری نیز تکرار شد. این بار، همکاری‌مان در ارتفاع‌های بسیار بالاتری صورت گرفت. آنچه ما با هم انجام دادیم، یک همکاری بسیار فشرده و نزدیک بود. قطعاً آنچه به لحاظ داستان فیلم و مهندسی پیشبرد قصه اتفاق افتاد، حاصل ذهن و توان بسیار خوب آقای حاتمی‌کیا به عنوان کارگردان بود. آنچه از من خواسته شد، تلاش کردم تا حد توان به آن نزدیک شوم.»

با انرژی صددرصد انجام نشود، بلافاصله نقطه‌ضعف آن دیده می‌شود. این کار نیازمند ایستادن تمام‌قد است، زیرا در سینمای معمول و تکنیک‌های عادی داستان‌گویی، لزومی به ایستادن تمام‌قد نیست. اما در اینجا، احساس می‌کنید که زندگی گرفته می‌شود. آنقدر در ماجراجرم می‌شوید که حتی شما به‌هنگام خواب نیز به حل مسائل کاری فکر می‌کنید. این کار بسیار گرم بود، کاری که ما را در خود پذیرفت و گرم کرد و فوق‌العاده به تحرک ذهنی واداشت.» تورج منصوری در پایان مصاحبه، به این نکته اشاره می‌کند که «موسی» سینمایی، تنها یک نسخه پالپت از پروژه‌ای بزرگ‌تر به نام سریال «موسی» است. پروژه‌ای که به نظر می‌رسد تنها بخش کوچکی از آن تبدیل به فیلم حاتمی‌کیا در جشنواره چهل و سوم شده است: «این تحرک ذهنی، به نظر من، نتیجه‌ای بود که توانستیم ایجاد کنیم و فکر می‌کنم اتفاق خوبی باشد. امیدوارم که از نظر تماشاچیان نیز نمره قبولی بگیرد. در هر جای دنیا، وقتی یک پروژه بزرگ ساخته می‌شود که قرار است تکنیک جدیدی در آن معرفی شود، ابتدا باید آن را به گونه‌ای ارائه کرد که بتوان آن را به صاحبان کار، کسانی که هزینه‌های آن را تقبل می‌کنند و کسانی که از آن حمایت می‌کنند، نشان داد. همچنین باید آن را به مردم، به ویژه بخشی از جامعه که به عنوان نمونه‌های کوچک انتخاب شده‌اند، ارائه کرد. این پالپت، نمونه‌ای از آن چیزی است که قرار است در آینده تولید شود. آنچه شما به‌عنوان فیلم سینمایی می‌بینید، بخشی از داستان سریالی نیست، بلکه خلاصه‌ای از بخشی از داستان است که تا تولد حضرت موسی را دربرمی‌گیرد. در آینده، این بخش توسط کارگردان، تهیه‌کننده و مشاورانشان بررسی خواهد شد و تصمیم خواهند گرفت که چگونه این بخش را در سریال بازسازی کنند. قطعاً این بخش باید دوباره ساخته شود، اما ممکن است تصمیم بگیرند که بخشی از آن را با تغییراتی استفاده کنند یا نه. در حال حاضر، نمی‌توان به این سوال پاسخی قطعی داد. اما آنچه مسلم است، این است که فیلم نشانه‌ای از سریالی دارد که قرار است منتشر شود.»



شنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۳



شماره ۴۳۴۳



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANDAILY

